

مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی
دوره ۵ شماره ۳ پاییز ۱۳۸۶، صفحات: ۱۳-۱
ارتباط پلی مورفیسم 3'UTR(1484insG) از ژن پروتئین تیروزین فسفاتاز B با بیماری
دیابت نوع ۲، مقاومت به انسولین و چاقی در یک جمعیتی از تهران

عباس موسی پور: دانشجوی دوره کارشناسی ارشد، گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
نویسنده رابط: ab_mspr@yahoo.com

دکتر محمد تقی خانی: استاد، گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
دکتر رضا مشکانی: استادیار، گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
دکتر شهره خاتمی: استادیار، بخش بیوشیمی، انستیتو پاستور ایران، تهران، ایران

سالار بختیاری: دانشجوی دوره دکتری، گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
کریمه حقانی: دانشجوی دوره دکتری، گروه بیوشیمی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
دریافت: ۱۳۸۵/۲/۵ پذیرش: ۱۳۸۶/۴/۵

چکیده

زمینه و هدف: بیماری دیابت نوع ۲ شایع ترین بیماری متابولیکی بوده که عوامل محیطی و ژنتیکی در بروز آن نقش دارند. علت این بیماری عدم کارایی ترشح و عمل انسولین می باشد و در واقع چنین به نظر می رسد که دیابت نوع ۲ آخرین مرحله سیر مقاومت به انسولین است. مقاومت به انسولین یک وضعیت پاتولوژیک است که سلول های هدف به ویژه سلول های بافت چربی و عضلانی نسبت به مقدار نرمال انسولین خون کاهش پاسخ دارند. در میان ژنهای کاندید، پروتئین تیروزین فسفاتاز - B1 (PTP1B) که مهار کننده مسیر سیگنالینگ انسولین و لپتین می باشد، یکی از ژنهای مهم میباشد. هدف این تحقیق بررسی ارتباط پلی مورفیسم 3'UTR(1484insG) از ژن PTP1B با بیماری دیابت نوع ۲، مقاومت به انسولین و فاکتورهای بیوشیمیایی مرتبط با آن و چاقی می باشد.

روش کار: مطالعه بر روی ۲۶۴ فرد با گلوکز ناشتای نرمال و ۷۱ فرد مبتلا به دیابت نوع ۲ از یک جمعیت شهری تهران انجام شد، ابتدا اطلاعات تن سنجی و دموگرافیک کلیه داوطلبین گردآوری شده و سپس تست تحمل گلوکز با ۷۵ گرم گلوکز خوراکی بر روی تمامی افراد غیردیابتی انجام پذیرفت. پس از اخذ نمونه و انجام آزمایشات بیوشیمیایی، بر اساس معیار سازمان بهداشت جهانی (WHO)، افراد غیر دیابتی و دیابتی نوع ۲ شناسایی شدند. میزان مقاومت به انسولین بر اساس معیار HOMA-IR محاسبه گردید... برای شناسایی این پلی مورفیسم (3'UTR(1484insG)) تکنیک PCR-RFLP انجام شد

نتایج: در این مطالعه فراوانی اللی پلی مورفیسم 1484insG در بین افراد غیردیابتی و بیماران دیابتی نوع ۲، به ترتیب ۳/۸٪ و ۶/۳٪ می باشد ($p=0/192$). در این تحقیق افراد غیر دیابتیک دارای این پلی مورفیسم مقادیر بالاتری را در مورد فاکتورهای شاخص توده بدنی ($p=0/01$)، کلسترول ($p=0/07$)، فشار خون دیاستولیک ($p=0/002$) و شاخص HOMA-IR ($p=0/04$) در مقایسه با افراد با الل طبیعی، نشان داده اند. شیوع مقاومت به انسولین ($HOMA-IR>2/307$) در افراد غیر دیابتی دارای این پلی مورفیسم، تفاوت معنی داری را در مقایسه با الل طبیعی نشان داد (۲/۵۷٪ و ۲۴/۸٪) ($p < 0/05$). در بیماران دیابتی نوع ۲ دارای این پلی مورفیسم، تنها فاکتورهای انسولین ($p=0/054$) و شاخص عملکرد سلول های بتا (HOMA-B) ($p=0/04$) تفاوت معنی داری را در مقایسه با افراد دیابتی الل طبیعی نشان داده اند. فاکتورهای تری گلیسرید، فشار خون سیستولیک، شاخص عملکرد سلولهای بتا، کلسترول بد (LDL)، انسولین و گلوکز ناشتا و تست تحمل گلوکز تفاوت معنی داری را در بین دو گروه افراد غیر دیابتی نشان نداد. بررسی ها به تفکیک جنس در بین دو گروه افراد نیز تفاوت معنی داری را در شاخص توده بدنی ($p=0/025$)، فشار خون سیستولیک ($p=0/046$) و دور باسن ($p=0/019$) زنهای غیر دیابتی دارای این پلی مورفیسم در مقایسه با الل طبیعی نشان می دهد، در صورتی که این تفاوت در مردها فقط در مورد فشار خون سیستولیک، معنی دار می باشد ($p=0/039$).

نتیجه گیری: افرادی که ناقل 3'UTR(1484insG) از ژن PTP1B هستند، افراد هیپرانسولینمیک می باشند و افزایش معنی داری در بعضی فاکتورهای بیوشیمیایی مرتبط با سندروم متابولیک نشان می دهند. نتایج این مطالعه شواهدی را فراهم می سازد که پلی مورفیسم 3'UTR(1484insG) در جمعیت ایرانی با مقاومت به انسولین ارتباط دارد و احتمال دارد که در سوق دادن افراد به سمت بیماری دیابت نوع ۲ و سندروم متابولیک نقش داشته باشد. جهت شناسایی نقش بیشتر این پلی مورفیسم، بررسی آن در یک جمعیت بزرگتر کمک شایان توجهی خواهد نمود.

واژگان کلیدی: مقاومت به انسولین، 3'UTR، شاخص برآوردی مقاومت به انسولین (HOMA-IR)، پلی مورفیسم، پروتئین تیروزین

مقدمه

بیماری دیابت نوع ۲ شایع ترین بیماری متابولیکی بوده که عوامل محیطی و ژنتیکی در بروز آن نقش دارند. این بیماری در واقع مرحله پایانی اختلال مزمن و پیشرونده ای است که ناشی از مقاومت به انسولین، کاهش عملکرد سلولهای بتا پانکراس و افزایش تولید گلوکز توسط کبد می باشد. در حال حاضر دیابت نوع ۲ با افزایش قند خون بیش از میزان طبیعی و یا هنگام تظاهر عوارض بالینی دیابت تشخیص داده می شود. در حالی که به نظر می رسد این مرحله تنها نقطه انتهایی و قله کوه یخی است که مقاومت به انسولین و اختلالات متابولیک مربوطه پایه آن را تشکیل میدهند. مطالعات نشان داده است که مقاومت به انسولین یک دهه قبل از ظهور علائم بالینی دیابت نوع ۲ وجود دارد (Bloomgarden 2005; Hegele and Pollex 2005).

مقاومت به انسولین یک وضعیت پاتولوژیک است که سلول های هدف بویژه سلول های بافت چربی و عضلانی نسبت به مقدار نرمال انسولین خون کاهش پاسخ دارند. جهت برقراری هوموستاز قند خون، ترشح انسولین توسط سلول های بتا پانکراس، افزایش می یابد (Stocker et al. 2005; Kolovou et al. 2005). در اوایل بیماری ترشح مازاد انسولین از سلول های پانکراس قادر به کنترل قند خون بوده، به مرور زمان انسولین جبرانی برای کنترل قند خون کافی نبوده و این افراد به سمت نقص تحمل گلوکز (Impair Glucose Tolerance) IGT پیش رفته، و در نهایت با نقص سلولهای بتا دچار دیابت نوع ۲ (Type 2 Diabetes Mellitus) می شوند (Harold et al. 2004; Haruhiko et al. 2003). تقریباً تمام افراد دیابتی و نه همه افراد IGT مقاوم به انسولین هستند. مقاومت به انسولین در پاتوژنسیته اختلالاتی از جمله: پرفشاری خون، دیس لیپیدمی، دیابت نوع ۲، چاقی، کبد چرب،

بیماریهای قلبی عروقی نقش دارد. به مجموعه این اختلالات سندروم متابولیک (سندروم مقاومت به انسولین) اطلاق می گردد (Kolovou et al. 2005; Kohler 2002; Michael et al. 2004).

با وجودی که تلاشهای گسترده ای در جهت شناسایی علت مقاومت به انسولین صورت گرفته است، مکانیسم مولکولی آن هنوز به طور کامل و دقیق شناسایی نشده است. عواملی از جمله؛ آنتاگونیستهای انسولین، تولید انسولین غیرطبیعی از سلولهای بتا پانکراس، فاکتورهای مانند (Free Fatty Acid) FFA (Tumor Necrosis Factor- α) و (alpha) (از طریق مسیر سیگنالینگ) و نقص رسپتور و سوسترهای رسپتور انسولین؛ در ایجاد مقاومت به انسولین دخیل می باشند ولی در سطح مولکولی مقاومت به انسولین بیشتر از طریق نقص در مسیر انتقال پیام انسولین رخ می دهد که ناشی از موتاسیونها و تغییرات پس از ترجمه ژنهای دخیل می باشد. موتاسیونهای مختلفی در رسپتور انسولین، ترانسپورترهای گلوکز، پروتئین های مسیر سیگنالینگ انسولین شناسایی شده اند، اما به دلیل نادر بودن در پاتوژنز مقاومت به انسولین و دیابت نوع ۲، نقش اساسی ندارند. یکی از مهمترین عوامل ایجاد مقاومت به انسولین؛ نقص عملکردی انسولین در مسیر بعد از اتصال به رسپتور و در واقع نقص عملکرد فاکتورهای مولکولی داخل سلول می باشد که مسیرهای پیغام رسانی در جهت فعالیتهای طبیعی متابولیکی انسولین را دچار اختلال می کند. در این راستا یکی از مهمترین فاکتورها کینازها و پروتئین فسفاتازها می باشند. پروتئین فسفاتازها با دفسفریلاسیون رسپتورها در داخل سلول عملکرد طبیعی مسیر پیغام رسانی را تحت تاثیر قرار می دهند. یکی از مهمترین فسفاتازهایی که در سلول های هدف انسولینی وجود دارد، پروتئین فسفاتاز-1B (PTP1B) می باشد (Anderson et al. 2004; Andrea et al. 2005).

دیابت و اختلال تحمل گلوکز نشان داد (Mok et al. 2002). پلی مورفیسم [P387L)CCA-CTA] در آگرون های ۸ و ۹ این ژن نیز تغییراتی را در پارامترهای تری گلسیرید، apoB و Lpa افراد دارای این پلی مورفیسم، نشان داد (Echwald et al. 2002). همچنین مطالعه ای که Di Paola در سال ۲۰۰۲ بر روی این ژن انجام داد، پلی مورفیسمی را در ناحیه (Untranslated region) 3'UTR(1984insG) شناسایی کرد که افزایش بیان ژن PTP1B را در پی داشته است؛ همچنین افراد دارای این پلی مورفیسم تغییر افزایشی در مقادیر بعضی از فاکتورهای مرتبط با سندرم مقاومت به انسولین، چاقی و همچنین سطح بیشتر mRNA را نشان می دادند (Paolo et al. 2002). این پلی مورفیسم در مطالعه دیگری بر روی افراد دیابتیک نوع ۱ مبتلا به نفروپاتی نیز مورد بررسی قرار گرفت (Marrucle et al. 2003). همچنین بررسی این پلی مورفیسم در جمعیت ها و نژاد های مختلف نتایج متفاوتی را در مورد فراوانی اللی و تغییرات مرتبط با سندرم مقاومت به انسولین و دیابت نشان داده است (Spencer et al. 2005; Jennifer et al. 2006; Dahlman et al. 2004).

با توجه به اهمیت این پلی مورفیسم و افزایش پایداری mRNA ژن PTP1B و ارتباط آن با فاکتورهای سندرم مقاومت به انسولین و از طرف دیگر با توجه به شیوع روزافزون بیماری دیابت نوع ۲، مقاومت به انسولین، چاقی و بیماریهای قلبی عروقی در ایران، ژنوتیپینگ و بررسی ارتباط این پلی مورفیسم با فاکتورهای ذکر شده، مورد هدف قرار گرفت.

روش کار

این تحقیق یک مطالعه شاهد-موردی می باشد، در این تحقیق بر طبق روش نمونه گیری تصادفی، تعداد ۳۳۵ نفر انتخاب شده اند که نمونه ها بر حسب

(Protein Tyrosine Phosphatase-1b) PTP1B اولین فسفاتازی بود که از جفت استخراج و خالص گردید (Andrea et al. 2005). از زمان شناسایی آن، این ژن یک کاندید برای تنظیم مسیر پیغام رسانی انسولین بوده و مطالعات نشاندهنده این حقیقت بود که پروتئین تیروزین فسفاتاز ۱B به عنوان اصلی ترین فسفاتاز تنظیم کننده مسیر انتقال پیام انسولین می باشد. ژن این پروتئین در محل کروموزوم ۲، ۱۳، ۱۰ و ۱۳q۲۰ و در نزدیکی مارکرهای دیابت و چاقی قرار دارد و مطالعات انجام شده، افزایش بیان این ژن در سلولهای بافت چربی و بافت ماهیچه ای افراد چاق و مقاوم به انسولین را نشان می دهد (Forsell et al. 1998; Hanson et al. 2000). در مطالعه ای که بر روی موشهای فاقد ژن PTP1B انجام شده بود (PTP1B^{-/-} و PTP1B^{+/-})؛ مقاومت به افزایش وزن در مقابل رژیم پرچربی و همچنین حساسیت به انسولین، در این موشها مشاهده می شد. درحالی که موشهای با ژنوتیپ طبیعی (PTP1B^{+/+}) افزایش وزن و مقاومت به انسولین را نشان داده اند (Goldstein et al. 2001; Forsell et al. 2000). همچنین مطالعات اخیر بر روی سل لاین هیپوتالاموسی (GT1-7)، نقش PTP1B را در تنظیم منفی انسولین و لپتین به اثبات رسانده است (Ukkola et al. 2002).

از زمان شناسایی PTP1B و نقش آن به عنوان تنظیم کننده منفی مسیر سیگنالینگ انسولین، اهمیت تغییرات در پاتوژنسیته مقاومت به انسولین و دیابت نوع ۲، مورد توجه ویژه ای قرار گرفت. مطالعات ژنتیکی متعددی بر روی این ژن انجام گرفت؛ پلی مورفیسم (981C-T) از آگرون ۸ PTP1B در کدون ۳۰۳ مورد مطالعه قرار گرفت. این پلی مورفیسم در افرادی با گلوکز ناشتای نرمال در ایالتی از کانادا مشاهده شد و بررسی فاکتورهای بیوشیمیایی در این افراد، نقش حفاظتی این پلی مورفیسم را در ابتلا به

کمر به دور باسن (WHR) Waist Hip Ratio محاسبه شد.

چاقی بر مبنای سازمان بهداشت جهانی به صورت $BMI > 30$ تعریف شد، همچنین برای فاکتور دور کمر؛ حد مرزی $102 \text{ cm} \geq$ در مردان و $88 \text{ cm} \geq$ در زنان استفاده شد. نسبت دور کمر به دور باسن بزرگتر یا مساوی $0/9$ در مردان و بزرگتر یا مساوی $0/8$ در زنان به عنوان حد مرزی برای تعریف چاقی در نظر گرفته شد. جهت اندازه گیری فشار خون، از یک فشارسنج جیوه ای استاندارد که اندازه بازوبند آن بسته به دور بازوی افراد متغیر بود استفاده شد. میانگین دو اندازه گیری محاسبه و به عنوان فشار خون نهایی افراد در نظر گرفته شد. پر فشاری خون، طبق معیار سازمان جهانی بهداشت سیستولیک $\leq 140 \text{ mmHg}$ یا دیاستولیک $\leq 90 \text{ mmHg}$ یا مصرف داروهای پایین آورنده فشار خون تعریف شد (Arthure et al. 1999).

تست تحمل گلوکز: این تست در افراد غیردیابتی، با استفاده از 75 گرم گلوکز خوراکی و نمونه گیری 0 و 120 دقیقه انجام پذیرفت. مطابق با معیار سازمان بهداشت جهانی در افرادی که سطح گلوکز خون دو ساعته بیش از 200 mg/dl ($11/1 \text{ mmol/l}$) و قند ناشتا بیشتر از 126 mg/dl باشد به احتمال زیاد فرد مذکور مبتلا به دیابت می باشد. و نقص تحمل گلوکز به مواردی اطلاق می شود که قند خون دو ساعت پس از مصرف گلوکز (75 گرم) $140-199 \text{ mg/dl}$ ($11/1-7/8 \text{ mmol/l}$) و قند ناشتا کمتر از 126 mg/dl باشد. افراد نرمال نیز با شاخصه گلوکز ناشتایی کمتر از 126 میلی گرم بر دسی لیتر و گلوکز دو ساعته کمتر از 140 میلی گرم بر دسی لیتر ($7/8 \text{ mmol/l}$) مشخص می شوند (Expert Committee 1997).

اندازه گیری بیوشیمیایی: نمونه های خون برای جداسازی سرم و پلاسما به مدت 5 دقیقه با سرعت

تفکیک؛ 71 مورد دیابتیک (از بیمارستان شریعتی) و 264 مورد غیردیابتیک با قند ناشتای نرمال (از انستیتو پاستور ایران) می باشند. لازم به ذکر است که برای برآورد حجم نمونه از فرمول $n = z^2(1-p)/d^2$ استفاده شده است (محاسبه تعداد نمونه از روی فراوانی و درصد خطای مشخص که با ضریب خطای $0/03$ درصد و فراوانی $0/8$ (مربوط به پلی مورفیسم مورد نظر در آخرین بررسی انجام شده در آن جمعیت) و با اطمینان 95% ، تعداد نمونه 327 نفر می باشد که از بین مراجعین $80-20$ ساله انتخاب شده اند.

داده های مورد نظر از طریق دعوت تمام افراد متقاضی جهت مصاحبه و معاینه به محل مذکور (انستیتو پاستور ایران و بیمارستان شریعتی) به روش زیر بدست آمد؛ مصاحبه در بخش پذیرش به صورت خصوصی و با روش چهره به چهره انجام شد، مصاحبه با استفاده از پرسشنامه از پیش آزمون شده صورت گرفته است. البته لازم به یادآوری است که آگاهی و تایید تحقیق (رضایت نامه) بررسی بیوشیمیایی و ژنتیکی از نمونه های افراد مذکور نیز مورد سوال قرار گرفت. همچنین اطلاعات مربوط به پیشینه پزشکی، مصرف داروها و فشار خون نیز مورد سوال قرار گرفت. وزن با حداقل پوشش و بدون کفش با استفاده از یک ترازوی دیجیتال با دقت 100 گرم اندازه گیری شد. قد افراد با استفاده از متر نواری و در وضعیت ایستاده و بدون کفش، اندازه گیری شد. نمایه توده بدنی (Body Mass Index (BMI) از رابطه وزن (به کیلوگرم) بر مجذور قد (به متر مربع) محاسبه گردید. دور کمر در باریکترین ناحیه آن در حالتی ارزیابی شد که فرد در انتهای بازدم طبیعی خود قرار داشت. جهت اندازه گیری دور کمر و دور باسن با استفاده از یک متر نواری غیرقابل ارتجاع بدون تحمیل هر گونه فشاری به بدن فرد با دقت $0/1$ سانتی متر صورت گرفت. از تقسیم دور

مطابق مطالعات گذشته، صدکهای ۸۰ یا ۹۰ افرادی با گلوکز ناشتای نرمال به عنوان حدمرزی مقاومت به انسولین در افراد در نظر گرفته می شود. (البته در این مطالعه صدک ۹۰ انتخاب شد (HOMA-IR=۲/۳۷۶))؛ با این شاخص، افراد مقاوم به انسولین دیابتیک و نرمال و همچنین افراد حساس به انسولین نیز مشخص می شوند. شاخص عملکرد سلولهای بتا (BCF) که به معیار HOMA-B معروف است، نیز از طریق فرمول زیر محاسبه شد: $HOMA-B:20FBI(microUI/l)/FBS(m\ mol/l)-3/5$ (Matthews et al. 1985).

مطالعات ژنتیکی: جهت مطالعات ژنتیکی، نمونه DNA از لکوسیت‌های خون با استفاده از کیت تخلیص DNA پستانداران از شرکت دارویی Roche برای استخراج DNA استفاده شد. برای بررسی پلی مورفیسم (1984insG) 3'UTR از روش PCR-RFLP استفاده شد. ۱۰۰ نانوگرم از DNA ژنومی با استفاده از پرایمرهای اختصاصی (F; 5'CATGAGGCGACAGCACTG.3') (R; 5'CTTCCATTCCCAGTACTACCTG3') با روش PCR تکثیر شدند. محصول PCR قطعه‌ای به طول ۶۳۷bp (در ال طبیعی) و ۶۳۸bp (در صورت وجود 1484insG) می باشد. سپس محصولات PCR با روش هضم آنزیمی مورد بررسی قرار گرفتند (RFLP)؛ بدین صورت که ۱۵ میکرولیتر از محصول PCR همراه با ۱۰U از آنزیم (CFR42I) SacII در شرایط ۳۷ درجه به مدت ۳ ساعت مجاور شدند. سپس این محصولات با استفاده از ژل آگارز ۳/۵٪ مورد آنالیز قرار گرفتند. هضم آنزیمی زمانی اتفاق می افتد که باز گوانین در توالی مورد برش این آنزیم وجود داشته باشد. در افراد هتروزیگوت چهار قطعه ۲۴bp، ۱۶۶، ۴۴۸، ۴۷۲؛ ولی در افراد هموزیگوت قطعات ۲۴bp، ۱۶۶، ۴۴۸ بعد از هضم آنزیمی مشاهده می شود. همچنین ال طبیعی بعد از هضم آنزیمی نیز دو قطعه ۱۶۶bp و ۴۷۲ را نشان می دهد (شکل ۱).

۳۰۰۰ دور در دقیقه سانتریفوژ شدند. آنالیز تست ها با دستگاه RA۱۰۰۰ انجام گرفت. آزمون کلسترول تام و تری گلیسرید به ترتیب باروش کالریمتری آنزیمی با کلسترول استراز، کلسترول اکسیداز و گلیسرول فسفات اکسیداز با استفاده از کیت‌های شرکت پارس آزمون انجام گرفت. اندازه گیری HDL-C سرم پس از رسوب محلول آپولیپوپروتئین ها با اسید فسفو تنگستنیک صورت گرفت. LDL-C با استفاده از فرمول فریدوالد محاسبه شد (در صورتی که TG کمتر از ۴۰۰ mg/dl باشد). به منظور کنترل کیفی هر کدام از تست‌های بیوشیمیایی، از کنترل استاندارد تجاری قابل دسترس استفاده شد. دقت و صحت این کنترلها ما بین هر ۲۰ نمونه داوطلبین مورد ارزیابی قرار گرفت. برآورد گلوکز ناشتا به طریق رنگ سنجی آنزیمی با روش گلوکز اکسیداز صورت پذیرفت. برای ارزیابی گلوکز فرد در سه ماه گذشته، HbA1c یا هموگلوبین گلیکوزیله با روش HPLC اندازه گیری شد. اندازه گیری فاکتورهای هورمونی انسولین و C-پپتید به روش رادیوایمنواسی (RIA, IRMA)؛ تمایل ترکیبی آنتی ژن و آنتی بادی، انجام شد که با واسطه دستگاه شمارنده اشعه گاما (Gamma counter) و در نهایت با توجه به استانداردها و کالیبراتورها و ردیاب (Tracer)، اندازه این دو هورمون نشاندار شده در هر نمونه قابل برآورد می باشد. در این تحقیق مقاومت به انسولین از روی معیار (HOMA) Homeostasis Model Assessment Index برآورد شد:

$HOMA-IR = FBI (microUI/l). FBS (mmol/l)/22/5$. این رابطه تحت عنوان شاخص HOMA-IR مطرح می باشد و در واقع بر اساس گلوکز و انسولین ناشتا برآورد می شود. البته مقدار این رابطه با توجه به مقدار گلوکز و انسولین می تواند متغیر باشد، بنابراین در هر جمعیتی می تواند مقادیر متفاوتی را نشان دهد و معیار استاندارد برای تمام جمعیت ها وجود ندارد و بسته به سلامت جامعه و

آنالیز داده ها: برای تجزیه و تحلیل داده های تحقیق از نرم افزار آماری SPSS (Version 11) استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی، به کمک شاخص ها و آماره های؛ میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی داده ها به توصیف داده ها پرداخته و در بخش آمار استنباطی برای برآورد تفاوت پارامترهای بیوشیمیایی و فاکتورهای دموگرافیک در بین ژنوتیپهای مختلف از آزمون اختلاف میانگینها (t-تست) در گروههای مختلف جمعیت مورد مطالعه، استفاده شده است. آنالیز رگرسیون لجستیک برای محاسبه ORs و حدود اطمینان ۹۵ درصد با تعدیل برای سن و جنس مورد استفاده قرار گرفت. برای مقایسه گروهها در زمانی که ما سن و جنس را برای مقادیر متغیرهای دیگر تعدیل نمودیم؛ ANOVA نیز مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج

فراوانی ژنوتیپی 1484insG/wt (I/D) در افراد غیردیابتی ۷/۶٪ (n=۲۱) و در افراد دیابتیک حاضر در این مطالعه ۱۲/۷٪ (n=۹) بوده است (p=۰/۱۹۲). در این بررسی هیچ مورد هموزیگوتی مشاهده نشد. همچنین فراوانی الی این پلی مورفیسم در افراد غیردیابتیک و مبتلایان به دیابت نوع ۲ به ترتیب ۳/۸٪ و ۶/۳٪ بوده است (جدول ۱). البته فراوانی الی در این مطالعه در مقایسه با مطالعات مشابه پایین می باشد. به دلیل اینکه مقاومت به انسولین، دیابت نوع ۲ و مقادیر گلوکز و انسولین و فاکتورهای متابولیکی، تحت تاثیر سن، جنس قرار می گیرند؛ بنابراین در آزمون های مقایسه ای، مقادیر این متغیرها برای فاکتورهای سن و جنس تعدیل شده اند. بررسی تفاوت فراوانی الی بین بیماران دیابتیک نوع ۲ و افراد غیردیابتی نشاندهنده عدم وجود ارتباط معنی دار بین دو گروه ذکر شده می باشد [p=۰/۲۰۵ و (۰/۲۰۵-۱/۴۰۵) (OR ۰/۵۸۷)].

داده های تن سنجی و بیوشیمیایی، بیماران دیابتیک و افراد غیردیابتی در جدول ۲ نشان داده شده است. در افراد غیردیابتی دارای این پلی مورفیسم، مقادیر BMI (p=۰/۰۱۲) (۲۵/۹۱ ± ۴/۲۶) فشار خون دیاستولیک (p=۰/۰۰۲) (۸/۲۴ ± ۸۲/۵۷ در مقابل ۹/۱۴ ± ۷۷/۳۱) و شاخص مقاومت به انسولین (p=۰/۰۴۱) (۲/۴۱۷ ± ۰/۷۵۹) در مقابل ۰/۸۴۹ ± ۲/۰۲) ، به طور معنی داری بالاتری از پارامترهای ذکر شده را در مقایسه با ال طبیعی نشان می دهند. در حالی که این تفاوت در مورد کلسترول (p=۰/۰۷) و LDL (p=۰/۱۹۲) و همچنین گلوکز، انسولین، تری گلیسرید و فشار خون سیستمیک؛ معنی دار نمی باشد. در بیماران دیابتیک نوع ۲ تنها مقادیر عملکرد سلول های بتا (p=۰/۰۴۱) در افراد دارای این پلی مورفیسم به طور معنی داری مقدار پایین تری را نسبت به ال طبیعی نشان داده اند (۱۲/۳ ± ۲۰/۵۴ در مقابل ۱۵/۴ ± ۴۵/۹۷). فراوانی الیک این پلی مورفیسم در زنان بیشتر از مردان است (۵/۵٪ در جنس مونث در مقابل ۲/۳۵٪ جنس مذکر؛ p=۰/۰۴۹) و مقایسه فاکتورهای بیوشیمیایی و دموگرافیک به تفکیک جنس در افراد غیر دیابتیک تفاوت معنی داری را در شاخص توده بدنی (p=۰/۰۲۵)، فشار خون سیستمیک (p=۰/۰۴۶) و دور باسن (p=۰/۰۱۹) زنهای حاضر در این مطالعه در مقایسه با ال طبیعی نشان داد؛ همچنین این تفاوت در مورد فشار خون دیاستولیک معنی دار نمی باشد (p=۰/۰۷۳). در صورتی که مرد های غیر دیابتی دارای پلی مورفیسم حاضر در این مطالعه فقط در مورد فشار خون سیستمیک تفاوت معنی داری را در مقایسه با ال طبیعی، نشان دادند (p=۰/۰۳۹).

شیوع مقاومت به انسولین از روی برآورد شاخص مقاومت به انسولین (HOMA-ir) (صدک ۹۰ از مقدار برآوردی آن در افراد نرمال؛ ۲/۳۷۶) محاسبه شد (۲/۳۷٪). افراد دارای این تغییر ژنتیکی نسبت به

PTP1B، پروتئینی است که نقش تنظیمی در مسیر پیغام رسانی انسولین دارد و در مطالعاتی که برای توضیح بیشترین مسئله انجام یافته است، حاکی از آن است که PTP1B در محیط *in vitro* گیرنده انسولین را دفسفریله می کند (Andrea et al. 2005; Jenniker et al. 2003). اهمیت عملکرد این آنزیم منتهی به تحقیقات بیشتر محققان برای شناخت تغییرات ژنتیکی در ژن PTP1B شد. الشبلی (Elchebly) و همکاران موشهای فاقد ژن PTP1B ایجاد کردند که نسبت به فسفوریلایون تیروزین سوپسترای رسپتور های انسولین (IR و IRS-1) افزایش حساسیت داشته و به چاقی مقاوم بودند (Elchebly 1999). هم در مطالعات Transfection و هم در حیوانات Transgenic به خوبی نشان داده شده است که PTP1B، گیرنده لپتین همراه با JAK-2 را دفسفریله می کند (Neil et al. 2004; Michael et al. 2004; Andea et al. 2005). Echwaldl و همکارانش یک تغییر P387L را در این ژن شناسایی کردند که در ۲۶٪ از بیماران دیابتی و ۱/۱٪ از افراد غیر دیابتی در جمعیتی از کشور دانمارک قابل مشاهده بود و بررسی آزمایشگاهی بر روی این ژن در این افراد، نقص فسفریلایون سرین در پروتئین PTP1B را نشان داد (Echwald et al. 2002). همچنین مطالعه ای که Mok و همکارانش در جمعیتی از Oji-Cree کانادا انجام دادند، پلی مورفیسم 981C-T (با فراوانی الی ۵٪) را در cDNA ژن PTP1B شناسایی کردند، این پلی مورفیسم با نقص تحمل گلوکز و دیابت نوع ۲ مرتبط بود (Mok et al. 2002). در سال ۲۰۰۲ Di Paolo و همکارانش پلی مورفیسمی (ورود گوانین) را با فراوانی الیک تقریباً ۷٪ در ناحیه 3'UTR و در موقعیت ۱۴۸۴ (1484insG) از cDNA ژن PTP1B شناسایی کردند که باعث افزایش پایداری mRNA این ژن و افزایش بیان آن می شد. این پلی مورفیسم

افرادی با الل طبیعی، مقاومت بیشتری به انسولین از خود نشان دادند؛ ۵۷٪ از افراد غیردیابتیک دارای این پلی مورفیسم مقاوم به انسولین و ۲۴/۸٪ از افراد با الل طبیعی در این ژن، مقاوم به انسولین بودند. همچنین مقایسه ای که بر اساس شاخص توده بدنی در افراد غیر دیابتیک و به تفکیک پلی مورفیسم انجام شد نشان دهنده این حقیقت بود که افراد دارای این پلی مورفیسم که شاخص توده بدنی بزرگتر از ۲۵ (BMI > ۲۵) داشتند، تفاوت معنی داری در مقادیر فشار خون دیاستولیک ($p=0/028$) کلسترول ($p=0/032$)، HDL ($p=0/023$) و LDL ($p=0/026$) در مقایسه با افراد دارای اضافه وزن و چاق الل طبیعی، نشان دادند.

بحث

بیش از دو دهه، مکانیسم های پایه و فیزیولوژی فعالیت انسولین و اهمیت ویژه مقاومت به انسولین در پاتوژنز اختلالات بالینی در انسان شناخته شده است. تاکنون بیش از ۲۰۰ ژن کاندید و موتاسیونها و پلی مورفیسمهای آنها در نقش عملکردی انسولین و اختلالات متعاقب آن شناسایی شده اند؛ ولی به دلیل نتایج مختلف از تغییر ژنتیکی واحد در جمعیت های مختلف؛ نمی توان یک تغییر ژنتیکی را به صورت مارکر برای مقاومت به انسولین تعریف کرد (Barroso 2005; Arthur et al. 1999). با توجه به موتاسیونها و ژنهای ذکر شده، یکی از مهمترین عوامل ایجاد مقاومت به انسولین، نقص عملکردی انسولین در مسیر بعد از اتصال به رسپتور، و در واقع نقص عملکرد فاکتورهای مولکولی داخل سلول می باشد. یکی از این فاکتورها پروتئین تیروزین فسفاتاز-B1 (PTP1B) می باشد و به نظر می رسد یکی از کاندیداهای مهم دخیل در مسیر پیغام رسانی انسولین باشد (Anderson et al. 2004; Jenniker et al. 2003).

۶/۹٪ و ۸/۳٪ این پلی مورفیسم در افراد غیر دیابتیک، و فراوانی الیک ۶/۹٪ و ۶/۷٪ در افراد دیابتیک نوع ۲؛ در مطالعات مشابه (Spencer et al. 2005; Jennifer et al 2006; Dahlman et al. 2004; Neil et al. 2004). بررسی تفاوت فراوانی ژنوتیپی واللی بین بیماران دیابتی و افراد غیر دیابتی، ارتباط معنی داری را بین دو گروه نشان نداد. همچنین بررسی های مقایسه ای نشان داد که افراد غیردیابتیک دارای این پلی مورفیسم در مقایسه با ال طبیعی حساسیت کمتری به انسولین داشتند و مقادیر شاخص توده بدنی، فشار خون دیاستولیک تفاوت معنی داری را در مقایسه با ال طبیعی نشان دادند. بررسی پلی مورفیسم 1484insG بر روی بیماران دیابتی نوع ۲ تنها تفاوت معنی دار را در مقدار شاخص عملکرد سلولهای بتا نشان داد و مقادیر شاخص توده بدنی، کلسترول، گلوکز و انسولین ناشتا، شاخص مقاومت به انسولین، کلسترول LDL، فشار خون سیستولیک و دیاستولیک و تری گلیسیرید، تفاوت معنی داری را در دو گروه نشان نداد. در صورتی که بررسی این پلی مورفیسم توسط Spencer بر روی ۲۷۷۷ زن غیر دیابتی، افزایش معنی دار را تنها در مقادیر تری گلیسیرید افراد دارای این پلی مورفیسم در مقایسه با ال طبیعی نشان داد (Spencer et al. 2005). همچنین مطالعه دیگری که Jennifer و Dahlman بر روی افراد غیر دیابتیک و مبتلایان به دیابت نوع ۲ از جمعیت سوئد انجام دادند، تفاوت معنی داری در مورد مقادیر فاکتورهای مرتبط با سندرم مقاومت به انسولین در بین افراد غیر دیابتیک و دیابتیک دارای این پلی مورفیسم در مقایسه با ال طبیعی مشاهده نکردند (Dahlman et al. 2004; Jennifer et al. 2006) در مطالعه حاضر، مقایسه پلی مورفیسم به تفکیک جنس در افراد غیر دیابتیک تفاوت معنی داری را در شاخص توده بدنی، فشار خون سیستولیک و دور باسن در بین زنان نشان می دهد در صورتی که این تفاوت در مردها فقط در مورد فشار خون

در جمعیت مورد مطالعه (جمعیتی با قند ناشتای نرمال از سیسیل ایتالیا) و در مردها با مقاومت به انسولین، تری گلیسیرید ($p=0/006$)، تری گلیسیرید ($p=0/002$) و نسبت کلسترول کل به کلسترول HDL ($p=0/025$) و در آنها با افزایش فشار خون ($p=0/01$) مرتبط بود. همچنین بررسی این پلی مورفیسم در جمعیتی از دانمارک و سوئد که بر روی بیماران دیابتیک نوع ۲ و افراد غیر دیابتیک انجام شد عدم ارتباط این پلی مورفیسم را با بیماری دیابت نوع ۲ نشان داد و تفاوت معنی داری در شاخص توده بدنی و سطوح گلوکز و انسولین ناشتا افراد غیر دیابتیک ناقل این پلی مورفیسم در مقایسه با ال طبیعی مشاهده نشد (Dahlman et al. 2004; Jennifer et al. 2006). در مطالعه دیگری که توسط Spencer-jones در سال ۲۰۰۴ بر روی این پلی مورفیسم در ۲۷۷۷ زن غیردیابتی انجام شد، موید این حقیقت بود که زنهای ناقل این پلی مورفیسم به طور معنی دار افزایشی در سطح تری گلیسیرید خود در مقایسه با ال طبیعی دارا می باشند ($p=0/029$) (Spencer et al. 2005).

بنابر این، باتوجه به نقش PTP1-B در مقاومت به انسولین و چاقی و همچنین افزایش شیوع چاقی (۲۵٪)، بیماری های قلبی عروقی و شیوع بالای دیابت در بخش قابل توجهی از جامعه ما که نشانگر شدت و اهمیت این عوامل خطر ساز می باشد (King et al. 1998؛ عزیزی ۱۳۸۰). شناسایی هر چه زودتر افرادی که به لحاظ ژنتیکی مستعد به مقاومت به انسولین و دیابت نوع ۲ هستند، می تواند در آگاهی دادن به افراد از لحاظ تغییر نوع زندگی، رژیم غذایی و تاخیر و حتی عدم ظهور این اختلالات مزمن، موثر باشد. بنابراین مطالعه حاضر در راستای تحقق گفته های فوق، انجام پذیرفت.

فراوانی اللی این پلی مورفیسم در مطالعه حاضر در افراد غیر دیابتیک و بیماران دیابتیک به ترتیب ۳/۷٪ و ۶/۳٪ می باشد (در مقایسه با فراوانی های ۷/۷٪ و

است در شناسایی افراد مقاوم به انسولین دارای افزایش بیان ژن PTP1B کمک نماید.

نتیجه گیری

نتایج این مطالعه شواهدی را فراهم می سازد که پلی مورفیسم (1484insG) 3'UTR در جمعیت ایرانی با مقاومت به انسولین ارتباط دارد و احتمال دارد که در سوق دادن افراد به سمت بیماری دیابت نوع ۲ و سندرم متابولیک نقش داشته باشد. البته، جهت شناسایی نقش بیشتر این پلی مورفیسم، بررسی آن در یک جمعیت بزرگتر کمک شایان توجهی خواهد نمود. چنین مطالعاتی به صورت شناسایی افرادی که می توانند از مهار کننده های PTP1B استفاده کنند و همچنین یک ابزار درمانی برای چاقی و مقاومت به انسولین، نیز میتواند مطرح باشد. بنابراین با شناسایی موتاسیونها و پلی مورفیسم هایی که افزایش بیان این آنزیم را باعث می شوند و در ادامه با غربالگری افراد و شناسایی افراد ناقل و همچنین با آگاهی دادن این افراد و به کارگیری روند مناسب زندگی، می توان در جهت جلوگیری از پیشرفت و گسترش خطرات مرتبط با آن از جمله دیابت، چاقی فشار خون و بیماری قلبی عروقی، گام موثری برداشت.

تشکر و قدردانی

این تحقیق با همکاری دانشگاه تربیت مدرس و بخش بیوشیمی انستیتو پاستور به انجام رسیده است، جا دارد که از زحمات کلیه اساتید و کارکنان این مراکز که در مراحل مختلف یاریگر ما بوده اند، سپاسگزاری کنیم.

سیستولیک می باشد. در همین راستا، مقایسه Di Paola بر روی افراد غیردیابتیک به تفکیک جنس؛ به طور معنی دار مقادیر بالاتری از پارامترهای شاخص مقاومت به انسولین و تری گلسیرید را در مردها و افزایش فشار خون را در زنهای دارای این پلی مورفیسم در مقایسه به الل طبیعی نشان داد. فراوانی الل و ژنوتیپی این پلی مورفیسم و مقایسه مقادیر متابولیکی و تن سنجی در بین گروههای مورد بررسی این مطالعه با برخی از مطالعات مشابه مطابقتی ندارد و این نتایج متفاوت را می توان به تغییرات نژادی، تعداد نمونه و هتروژنیسته بودن جمعیت ها نسبت داد.

نتایج مطالعه ما به این نکته اشاره دارد که پلی مورفیسم 1484insG با مقاومت به انسولین، تغییرات فشار خون و شاخص توده بدنی، در افراد غیر دیابتیک مرتبط می باشد و تغییرات فاکتورهای مرتبط با سندرم مقاومت به انسولین در افراد مونث دارای این پلی مورفیسم در مقایسه با افراد مونث الل طبیعی، خیلی بیشتر از مقایسه آنها در جنس مذکر می باشد. در این مطالعه، تغییرات معنی داری در فاکتورهای متابولیک و تن سنجی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ حامل این پلی مورفیسم در مقایسه با الل طبیعی مشاهده نشده است.

با توجه به تاثیر این پلی مورفیسم بر عوامل خطر بیماریهایی چون؛ چاقی، پرفشاری خون، بیماریهای قلبی عروقی و سکنه های قلبی و مغزی، در نهایت با شناسایی ناقلین های 1484insG، ممکن

جدول ۱- فراوانی ژنوتیپی و اللی پلی مورفیسم 1484insG در افراد غیر دیابتیک و بیماران دیابتیک نوع ۲

P value	دیابتیک		نوع تغییر
	غیردیابتیک		
	(درصد) تعداد		
			ژنوتیپ
	۹ (۱۲/۷)	۲۱ (۷/۶)	(1484insG/wt*)I/D
	۶۲ (۸۷/۳)	۲۵۴(۹۲/۴)	(Wt/wt)D/D
۰/۱۹۲	-	-	(1484insG/1484insG)I/I
			اللی
۰/۲۰۵	۶/۳	۳/۸	(1484insG)I
	۹۳/۷	۹۶/۲	(Wt)D

*. Wild type

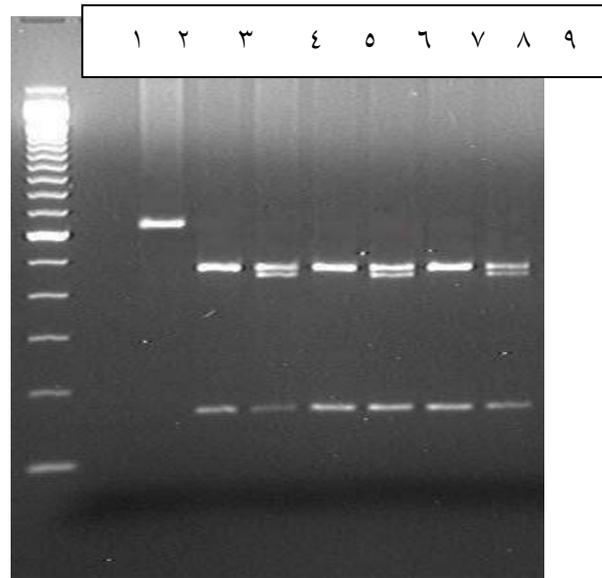
جدول ۲- خصوصیات بالینی افراد غیردیابتیک و بیماران دیابتیک مورد مطالعه به تفکیک پلی مورفیسم

دیابتیک		غیردیابتیک		متغیر
1484insG	اللی طبیعی	1484insG	اللی طبیعی	
انحراف معیار ± میانگین (n=۹ [۱۲/۷])	انحراف معیار ± میانگین (n=۶۲ [۸۷/۳])	انحراف معیار ± میانگین (n=۲۱ [۷/۶])	انحراف معیار ± میانگین (n=۲۵۴ [۹۲/۴])	
۲۷/۵۵ ± ۲/۸۱	۲۷/۸۵ ± ۴/۰۳	۲۸/۴۸ ± ۵/۴۵*	۲۵/۹۱ ± ۴/۲۶	شاخص توده بدنی (Kg/m2)
-	-	۹۸/۰۰ ± ۲۷/۴۵	۹۷/۲۴ ± ۲۸/۶۳	تست تحمل گلوکز (mg/dl)
۱۹۷/۲ ± ۷۶/۲	۱۶۷/۸ ± ۵۹/۱	۹۱/۱۰ ± ۷/۲۱	۹۰/۶۸ ± ۸/۸۲	گلوکز ناشتا (mg/dl)
۶/۲۶ ± ۲/۷۱	۹/۱۶ ± ۴/۳۹	۱۰/۰۶ ± ۳/۲۹	۸/۹۸ ± ۳/۳۲	انسولین ناشتا (mU/l)
۲/۵۲ ± ۱/۱۱	۳/۵۳ ± ۱/۸۲	۲/۴۱۷ ± ۰/۷۵۹*	۲/۰۲ ± ۰/۸۴۹	شاخص مقاومت به انسولین
۹۷/۶۹ ± ۴۲/۲	۱۳۲/۵ ± ۴۰/۵	۱۳۸/۰۴ ± ۳۶/۵	۱۲۹/۶ ± ۳۱/۲	LDL (mg/dl)
۲۰۱/۱۳ ± ۳۵/۸	۱۹۸/۳ ± ۳۳/۵	۲۰۹/۱ ± ۴۳/۳	۱۹۵/۷ ± ۳۶/۳	کلسترول (mg/dl)
۱۲۵/۸۶ ± ۴۳/۷	۱۷۷/۲۹ ± ۹۰/۲	۱۳۰/۶۷ ± ۷۶/۷	۱۴۱/۷۹ ± ۸۲/۳۱	تری گلیسیرید (mg/dl)
۱۲۲/۴۱ ± ۸/۱۴	۱۱۸/۹۸ ± ۱۲/۳۳	۱۱۹/۲۲ ± ۱۵/۹	۱۱۶/۰۹ ± ۱۳/۸	فشار خون سیستولیک (mmHg)
۸۰/۷۵ ± ۵/۹۲	۸۲/۳۵ ± ۸/۴۵	۸۲/۵۷ ± ۸/۴۴**	۷۷/۳۱ ± ۹/۱۴	فشار خون دیاستولیک (mmHg)
۲۰/۵۴ ± ۱۲/۳*	۴۵/۹۷ ± ۱۵/۴	۱۳۳/۶ ± ۵۰/۲	۱۲۲/۸ ± ۵۳/۷	عملکرد سلولهای بتا (HOMA-B)
۷/۹۵ ± ۱/۳۵	۶/۸۵ ± ۱/۷۶	۴/۲۱ ± ۰/۴۳۵	۴/۲۶ ± ۰/۴۳۷	هموگلوبین گلیکوزیله (%)(HbA1c)

تمام مقایسه ها برای سن و جنس تعدیل شده اند.

*. p<۰/۰۵

** . p<۰/۰۱



شکل ۱- مشاهده قطعات بعد از هضم آنزیمی بر روی ژل آگارز ۲/۵ درصد

هضم آنزیمی (SacII) زمانی اتفاق می افتد که باز آلی گوانین در قطعه توالی مورد برش این آنزیم وجود داشته باشد. در افراد هتروزیگوت چهار قطعه ۲۴bp، ۱۶۶، ۴۴۸، ۴۷۲؛ ولی در افراد هموزیگوت قطعات ۲۴ bp، ۱۶۶، ۴۴۸ بعد از هضم آنزیمی مشاهده می شود. همچنین الی طبیعی بعد از هضم آنزیمی نیز دو قطعه ۱۶۶ bp و ۴۷۲ را نشان می دهد. (۱) این ستون مربوط به مارکری با ۱۵ قطعه مختلف می باشد. (۲) کنترل منفی PCR. (۳) این ستون مربوط به قطعه تکثیر شده ای است (۶۳۷bp) که هضم آنزیمی بر روی آن اعمال نگردیده است (non-digest). (۴، ۶، ۸) در این سه ستون دو باند با قطعات ۱۱۶ bp و ۴۷۲ مشاهده می شود و در واقع نشاندهنده نوع طبیعی الی بعد از هضم آنزیمی می باشد (۵، ۷، ۹) در این ستونها وجود پلی مورفیسم با حضور قطعات ۲۴ bp، ۱۶۶، ۴۴۸ و ۴۷۲ مشخص میشود (البته قطعه ۲۴bp به علت کوچک بودن اندازه بر روی ژل قابل رویت نمی باشد) (فرم هتروزیگوت این پلی مورفیسم). لازم به ذکر است که فرم هموزیگوت این پلی مورفیسم در این مطالعه مشاهده نشده است.

منابع

- Barroso, I., 2005. Genetics of Type 2 diabetes. *Diabet Med.* **22**(5), pp.517-35.
- Bloomgarden, Z.T., 2005. Insulin resistance: causes and consequences. *Int Rev Neurobiol.* **65**, pp.1-24.
- Dahlman, I., Wahrenberg, H., Persson, L. and Arner, P., 2004. No association of reported functional protein tyrosine phosphatase 1B 3' UTR gene polymorphism with features of the metabolic syndrome
- عزیزی، ف.، ۱۳۸۰. مطالعه قند و لپید تهران. انتشارات مرکز تحقیقات غدد درون ریز و متابولیسم، صفحه ۶۷-۸۳.
- Anderson, A., Joannu, S., Nunzio, B. and Friedberg, H., 2004. Protein Tyrosine Phosphatases in The Human Genome. *Cell.* **117**, pp. 699-711.
- Andrea, J. and Prexij, S., 2005. Human Protein Tyrosine Phosphates 1B. *Journal Endocrinology.* **185**, pp. 21-35.

- Hanson, R.L., Ehm, M.G., Pettitt, D.J., Prochazka, M., Thompson, D.B. and Timberlake, D., 1998. An autosomal genomic scan for loci linked to type II diabetes mellitus and body-mass index in Pima Indians. *Am J Hum Genet.* **63**, pp. 1130e1138.
- Harold, E., Lebovits, G. and Mary, A., 2004. Treatment of Insulin Resistance in Diabetes Mellitus. *European Journal of Pharmacology.* **490**, pp. 135-146.
- Haruhiko, S., Mitso, F., Masaru, U. and Masaki, I., 2003. Factors Responsible For Development from Normal Glucose Tolerance to Isolated Postchallenge Hyperglycemia. *Diabetes Care.* **26**, pp. 1211-1215.
- Hegele, R.A. and Pollex, R.L., 2005. Genetic and physiological insights into the metabolic syndrome. *Am J Physiol Regul Integr Comp Physiol.* **289**(3), pp. 663-9.
- King, H., Aubert, R.E. and Herman, W.H., 1998. Global burden of diabetes, 1995e2025. *Diabetes Care.* **21**, pp. 1414 - 1431.
- Kolovou, G.D., Anagnostopoulou, K.K. and Cokkinos, D.V., 2005. Pathophysiology of dyslipidaemia in the metabolic syndrome. *Postgrad Med J.* **81**(956), pp. 358-66.
- Jennifer, L., Bento, Langefeld, J.K., Campbell, J., Jeffery, C., Lynne, M., Wagenknecht David, M., Herrington Barry, I., Freedman. Stephen, S.R. and Donald, W., 2006. Association of Protein Tyrosine Phosphatase-N1 Polymorphisms with Coronary Calcified Plaque in the Diabetes Heart Study Kathryn P. *Diabetes.* **55**, pp. 651- 658.
- Jenniker, N., Anderson and Nicholas, K., 2003. Protein Tyrosine Phosphatase-Baesda Therapeutics; Lessons from PTP1B. *TONKS.* **5**, pp. 201-230.
- Arthur, L., Francisco, J. and Smith, K., 1999. The Pathogenesis of Obesity. *Clin Endo and Met.* **13**(1), pp.13-30.
- in Swedish people. *J Intern Med.* **255**, pp. 694-695.
- Echwald, S., Bach, H., Vestergaard, H., Richelsen, B., Kristensen, K., Drivsholm, T., Borch-Johnsen, K., Hansen, T. and Pedersen, O., 2002. A P387L variant in protein tyrosine phosphatase-1B (PTP-1B) is associated with type 2 diabetes and impaired serine phosphorylation of PTP-1B in vitro. *Diabetes.* **51**, pp. 1-6.
- Elchebly, M., 1999. Increased insulin sensitivity and obesity resistance in mice lacking the protein tyrosine phosphatase-1B gene. *Science.* **283**, pp.1544-1548.
- Expert Committee on the diagnosis and classification of diabetes mellitus: Report of the expert committee on the diagnosis and classification of diabetes mellitus. *Diabetes Care,* 1997. **20**, pp.1183-1197.
- Forsell, P.K.A.L., Boie, Y., Montalibet, J., Collins, S. and Kennedy, B.P., 2000. Genomic characterization of the human and mouse protein tyrosine phosphatase 1B genes. *Gene.* **260**, pp. 145-143.
- Neil Thomas, G., Athena, W.L., Brian Tomlinson, H., Chis, W.K., Lam, Julian, A.J.H., Critchley, John, E. Sanderson, W.J., Edith, L., 2004. Increasing insulin resistance contributes to worsening glycemic and lipid profiles in older Chinese subjects. *Diabetes Res. and Clinical Practice.* **64**, pp.123-128.
- Goldstein, B.J., 2001. Protein – tyrosine phosphatase (PTP1B); a novel therapeutic target for type2 diabetes mellitus, obesity and related states of insulin resistance. *Curr Drug Tar Immune Endocr Metabol Disord.* **1**, pp. 265-275.
- Hans-Peter, K., 2002. Insulin Resistance Syndrome; Intraction with Coagulation and Fibrinolysis. *Swiss Med WKLY.* **132**, pp. 241-252.

- origins of insulin resistance and obesity. *Proc Nutr Soc.* **64**(2), pp. 143-51.
- Spencer, J., Nicola, J., Xiaoling, W., Harold, S., Tim, D., Nicholas, D. and Carter Sandra, D.O., 2005. Protein Tyrosine Phosphatase-1B Gene *PTPNI* Selection of Tagging Single Nucleotide Polymorphisms and Association With Body Fat, Insulin Sensitivity, and the Metabolic Syndrome in a Normal Female Population. *DIABETES, VOL. 54*, pp. 3296-3304.
- Ukkola, O., and Santaniemi, M., 2002. Protein tyrosine phosphatase 1B; A new target for the threatment of Obesity and associated Co-Morbidities. *J. Int. Med.* **251**, pp. 467-75.
- Marrucce, A., De Cosmo, S., Pucci, L., Penno, E. and Ciociola, S., 2003. Lack of Evidence for the 14894insG of 3'UTR of the PTP B Gene as a Genetic Determinant of Risk for Kidney Disease in 1Type Diabetes Patients. *Endo and Metab Journal.* **3**, pp. 425-431.
- Matthews, D., Hosker, J., Rudenski, A., Naylor, B., Treacher, D. and Turner, R., 1985. Homeostasis model assessment: insulin resistance and B-cell function from fasting plasma glucose and insulin concentrations in man. *Diabetologia.* **28**, pp. 412e419.
- Michael, O., Chao, A., Hsiung, M., Lee- Ming, C., Lo-Toke, H. and Tai-Ting, H., 2004. Single Nucleotide Polymorphisms in Protein Phosphatase 1B (PTPN) Are Associated with Essential Hypertension and Obesity. *Human Molecular Genetics.* **13**, pp. 17.
- Mok, A., Cao, H., Sinman, B., Hanley, A.J.G., Harris, S.B., Kennedy, B.P. and Hegele, R.A., 2002. A single nucleotide polymorphism in protein tyrosine phosphatase PTP-1B is associated with protection from diabetes or impaired glucose tolerance in Oji-Cree. *J Clin Endocr Metab.* **87**, pp. 724 –727.
- Paolo, R.D., Frittitta, L., Misco, G., Bozzali, M., Baratta, B., Centra, M., Spampinato, D., Grazia, M., Ercolino, T., Cisternino, C., Soccio, T., Mastroiano, S., Tassi, V., Almgren, P., Pizzuti, A., Vigneri, V. and Trischitta, V., 2002. A variation in 3utr of hptp1b increases specific gene expression and associates with insulin resistance. *A. mj Hum. Genet.* **70**, pp. 806-812.
- Stocker, C.J., Arch, J.R. and Cawthorne, M.A., 2005. Fetal